

زيارات مسنون

تأليف:

صادق رجبیان تمک

عنوان کتاب:

زیارات مسنون

تألیف:

صادق رجیبیان تمک

موضوع:

عقاید کلام - بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت...)

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

اسفند (حوت) ۱۳۹۴ شمسی جمادی الاول ۱۴۳۷ هجری

منبع:

سایت عقیده www.aqeedeh.com



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

ایمیل:

book@aqeedeh.com

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

تقدیم به:

- تقدیم به زائرین مسجد سه‌گانه
- تقدیم به روح پدرم که آرزو داشت بنده درس دینی و حوزوی بخوانم.
- تقدیم به شهدای مردم فلسطین علی‌الخصوص شهید بزرگوار شیخ یاسین.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- فهرست مطالب..... ۱
- مقدمه ۱
- مقصد از زیارت قبور..... ۴
- اجازه زیارت برای زنان:..... ۶
- اجازه زیارت برای مردان و زنان:..... ۷
- در قبرستان نباید جزع و فزع کرد ۹
- نهی و منع رسول الله از داد و فریاد (جزع و فزع):..... ۹
- کسی که بر سر و صورت خود بزند، از ما نیست: ۱۰
- ممنوعیت کندن مو هنگام مصیبت:..... ۱۱
- زیاده روی در زیارت:..... ۱۱
- از ساختن مسجد و درست کردن بنا، بر قبرها نهی و منع شده است
- ۱۳
- حکم نماز خواندن به سوی قبر: ۱۶
- سفر به قصد قبرها..... ۱۷
- فضیلت نماز در مسجد الحرام و مسجد نبوی مدینه:..... ۱۸
- فضیلت مسجد قبا:..... ۱۹

- ۲۱..... چگونگی زیارت مسجد پیامبر ﷺ:
- ۲۳..... کارهایی را هنگام زیارت مسجدالنبی نباید انجام داد:
- ۲۵..... فضیلت منزل و منبر رسول الله ﷺ:
- ۲۷..... **زندگان با مردگان برابر نیستند**
- ۲۹..... آیا می‌توانیم از مردگان طلب شفاعت کنیم؟
- ۳۴..... **وظایف پیامبران**
- ۳۵..... **درگاه خداوند همیشه باز است**
- با توجه به مطالب گذشته آیا می‌توان از کسی غیر از خدا (اعم از مرده و زنده) تبرک جست؟
- ۳۷.....
- ۴۲..... **منابع کتاب**

مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

رسول الله ﷺ فرموده‌اند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي» (روایت امام بخاری).

یعنی «نماز بخوانید همانطوری که دیدید من نماز خواندم».

از مفهوم حدیث می‌فهمیم که رسول خدا ﷺ خواسته که هر عبادتی، خواه نماز یا هر عبادتی که قصد قربت به خداوند باشد، مطابق سنت او باشد. آن روشی را که رسول خدا ﷺ در تمامی عبادات اتخاذ کرده ما نیز به تبعیت از آن حضرت، روش او را در تمامی عبادات بکار ببریم، تا عبادت ما خالص و صحیح باشد، (عبادت خالص، عبادتی است که فقط برای خدا باشد و عبادت صحیح عبادتی است که بر اساس سنت باشد).

باز رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«كَلِمَةٌ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مِنْ أَبِي، قَالُوا: وَمَنْ أَبِي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: مَنْ أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ أَبَى». (روایت امام بخاری). یعنی «همه شما به جنت می‌روید، مگر کسی که ابا می‌ورزد، گفتند: (اصحاب) ای رسول خدا چه کسی ابا می‌ورزد؟ فرمود: کسی که مرا پیروی کرده به جنت می‌رود و کسی که مرا نافرمانی (اعراض) کرده ابا (روی گردانی) نموده است».

پس هر کسی از رسول خدا اطاعت کند، اوست که هدایت یافته است و هرکس سنت او را کنار گذارد؛ راهی را در پیش گرفته که راه مؤمنان نیست و خدا آن کس را به جایی می‌برد که آن کس دوست دارد و او را به دوزخ می‌اندازد و جایگاه بسیار بدی است.

امروزه می‌بینیم بعضی از مسلمانان از راه و روش (سنت) رسول خدا ﷺ دور افتاده‌اند و دارند سنت او را فراموش می‌کنند و یا اینکه راهی را طی می‌کنند که به روش رسول خدا نیست اینان نیز به خطا رفته‌اند و از صواب دور می‌گردند، یا اینکه روش یهودیان و مسیحیان را در زندگی خود پیاده و از آنان پیروی می‌کنند، یا فرهنگ غرب را ترجیح می‌دهند، رسول خدا مؤمنین را از مشابهت به یهودیان و مسیحیان نهی و منع کرده و می‌فرماید:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَشَبَهَ بِغَيْرِنَا، لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ وَلَا بِالنَّصَارَى». (روایت ترمذی).

یعنی: «کسی که از غیر مسلمانان تقلید کند، از ما نیست، از یهود و نصاری (مسیحیان) تقلید نکنید».

باز رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «وَمَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» (روایت ابوداود).

یعنی: «کسی که خود را شبیه به قومی سازد از آنهاست».

یکی از همین کارها طلب از مرده و مردگان است که عده‌ای از مسلمانان به تقلید از یهودیان و مسیحیان هنگام رفتن به زیارت و یا قبرستان انجام می‌دهند که نه رسول خدا ﷺ فرموده و نه از صحابه کرام رضی الله عنهم ثابت گردیده است بعضی از مسلمانان دانسته و یا ندانسته روش یهودیان و مسیحیان را بر روش رسول خدا ترجیح می‌دهند؛ ما در این جستار (رساله) سعی کردیم در خصوص طریقه و روش زیارت، آنچه که از قرآن و سنت رسول خدا ﷺ و از سیره صحیحی او که در کتب حدیث نگاشته شده است؛ استخراج و

بدون هیچ غرض ورزی و بدور از هوی و هوس تدوین نماییم تا عموم برادران و خواهران مسلمان که قصد زیارت را دارند بدان صورت انجام دهند، تا خداوند متعال وعده خود را به آنان راست گرداند و اگر از روش و سنت پیامبر دوری کنند، وعده خداوند محقق نمی‌شود و به وعید خداوند گرفتار می‌شوند و ما از زمرة «هُمُ الْخَاسِرُونَ» خواهیم بود.

صادق رجبیان تمک

رمضان ۱۴۲۵ هجری قمری برابر با آبان ماه ۱۳۸۳

مقصد از زیارت قبور

چنانچه کسی قصد زیارت قبور مردگان خود، یا کسانی دیگر از دوستان، آشنایان و یا صالحان را دارد، باید ببیند طریقه و روش زیارت قبور براساس قرآن و سنت پیامبر ﷺ چگونه است؟! اگر قصد زیارت را نموده، باید تأمل نماید که آیا اجازه زیارت دارد یا نه، اگر دارد، طریقه احسن آن چگونه است؟ ببیند روش پیامبر ﷺ و صحابه کرام ﷺ چگونه و به چه طریق بوده است، تا بداند موقع رفتن بر سر قبر کسی چگونه آن را زیارت کند؟ آیا اجازه طواف دارد یا نه؟ آیا اجازه نشستن بر روی قبر دارد یا نه؟ مقصد از رفتن بر سر قبر چه است؟ آیا باید جزع و فزع (داد و فریاد) کرد، یا باید حالات پس از مرگ و عذابی که بعد از مرگ به سراغ هر انسان گناهکاری می‌آید یاد آوری کند، یا اینکه صبر و شکیبایی بکند! بنابراین چنانچه کسی قصد زیارت قبری را دارد، باید بیاندیشد و طریقه و روش زیارت را بداند و بهمان طریقه و روش زیارت عمل کند، تا خداوند از بنده زائر راضی و پاداش آن را در آخرت نصیب او گرداند. ان شاءالله!

ما سعی کردیم، راه و روش درست و صحیح زیارت قبور را که از رسول خدا ﷺ بر جای مانده در اینجا گردآوری نماییم، تا برادران و خواهران مسلمان آن را یک به یک دانسته و بر آن عمل کرده و به دیگران بیاموزند، هرگاه کسی به قصد زیارت بر سر قبری می‌رود ابتدا باید رو به روی قبر ایستاده سلام بفرستد و سپس برای میت دعای خیر کند. امام نووی در المجموع (۳۱۱/۵) می‌فرماید: امام ابوالحسن محمد بن محمد مرزوق

زعفرانی که از علما و محققین است، در کتاب خود «الجنائز» می‌گوید: نباید قبر را با دست لمس کرد و نباید آن را بوسه زد. همچنین می‌گوید: در طول تاریخ، سنت ما این بوده که دست کشیدن بر قبور و بوسه زدن به آنها، بگونه‌ای که امروزه در بین عامه مردم رواج دارد، شرعاً از بدعت‌های نکوهیده به شمار می‌رود، بهتر است که از آن اجتناب شود بنابراین هرکس می‌خواهد بر میتی سلام گوید، در برابر سینه و چهره‌اش ایستاده سلام گوید و هر گاه می‌خواهد دعا کند از جای خود منتقل شده رو به قبله شود^(۱).

در این باره روایتی است:

از بریده رضی الله عنه روایت است که: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یاران خود یاد می‌داد، که هرگاه به زیارت قبور رفتند چنین بگویند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِلْأَحْقُونَ أَنْتُمْ لَنَا فَرْطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَعِبٌ فَتَسْأَلُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ»^(۲).

یعنی: «درود بر شما ای مؤمنان و مسلمانان ساکن این دیار (سرزمین)، بیگمان ما نیز ان شاءالله به شما می‌پیوندیم شما پیش قراولان و پیشروان ما هستید و ما هم به شما خواهیم پیوست، و از خداوند برای خود و شما در امان بودن از عذاب را مسئلت داریم»^(۳).

۱- به نقل از احکام جنایز، ص ۱۵۰.

۲- مسلم ۲۱۴۶، نسائی ۱۶۲۸ و ۲۰۳۶، ابن ماجه ۱۵۴۷ و امام احمد ۲۳۱۰۱.

۳- فقه السنة، ج ۲، ص ۱۰۸۹.

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کنار گورستان مدینه می‌گذشت و بدانجا روی آورد و گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ، يَغْفِرُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ، أَنْتُمْ سَلَفُنَا وَنَحْنُ بِالْآخِرِ»^(۱).

یعنی: «درود بر شما اهالی گورستان، خداوند ما و شما را بیمارزد، شما پیشگامان ما بوده و ما به دنبال شما هستیم»^(۲).

از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که: هرشب که پیامبر در حجره من بود. پیامبر صلی الله علیه و آله آخر شب به گورستان بقیع می‌رفت و می‌گفت: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَأَتَاكُمْ مَا تُوْعَدُونَ عَدَا مُؤَجَّلُونَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعِ الْعَرْفَدِ»^(۳).

یعنی: «درود بر شما ای خانه قوم مؤمنان آنچه که به شما وعده داده شده بود که فردا به شما می‌رسد اینک به شما رسیده است و بیگمان ما هم به خواست خدا به شما ملحق می‌شویم خداوند مردگان گورستان بقیع را بیمارز»^(۴).

اجازه زیارت برای زنان:

احادیثی وجود دارد که بر اساس آن‌ها، به زنان اجازه زیارت قبرها داده شده است.

۱- ترمذی ۱۰۵۴.

۲- فقه السنة، ج ۲، ص ۱۰۸۹.

۳- مسلم ۲۱۴۴، نسائی ۲۰۳۵، امام احمد ۹۴۴۷۹ و ۲۴۵۲۹ و ۲۴۸۵۵ و ۲۵۵۲۶.

۴- فقه السنة، ج ۲، ص ۱۰۸۹.

از جمله: «كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَزُورُوهَا فَإِنَّهَا تُدْغِرُكُمْ
الْآخِرَةَ...»^(۱).

یعنی: «شما را پیشتر از زیارت قبور نهی می‌کردم، اکنون (اجازه دارید)
قبور را زیارت کنید که همانا زیارت قبور آخرت را به یادتان می‌آورد».
دستور و اذن عام برای زیارت قبور، زنان را هم در برمی‌گیرد.
حضرت عایشه رضی الله عنها (از پیامبر صلی الله علیه و آله) سؤال نمود به هنگام زیارت قبور چه
بگوییم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بگو:

«السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَفْدِمِينَ
مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِلْأَحْقُونِ»^(۲).

«سلام بر شما مؤمنان و مسلمانانی که ساکن این دیار هستید، خداوند
بر گذشتگان و آیندگان از ما رحم بفرماید و ما به خواست خداوند به شما
خواهیم پیوست».

اجازه زیارت برای مردان و زنان:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَزُورُوهَا» «که
شما را از زیارت قبر باز داشته‌ام پس آن را زیارت کنید» که علت نهی این بود
که در پرستش قبرها، باز نگردد، پس وقتی که اصول اسلامی استقرار یافت و
نفوس بر تحریم عبادت غیرالله اطمینان نمود اجازه به زیارت قبرستان رسید
و علت تجویز اینست که زیارت فایده بسیار خوبی را در بر دارد و آن اینست
که مرگ را به یاد می‌آورد و آن سبب نیکویی، برای پند پذیری است که دنیا

۱- مسلم ۲۱۴۹، ترمذی ۱۰۵۵، ابی داود ۳۶۹۸، نسائی ۲۰۲۸، ابن ماجه ۱۵۷۱، امام
احمد ۲۳۰۷۷ و ۲۳۰۷۸ و ۲۳۱۱۴.

۲- مسلم ۲۱۴۵، ابی داود ۳۲۳۷، ابن ماجه ۱۹۲۸، نسائی ۲۰۳۳، امام احمد ۲۵۹۱۳.

محل گذر است. زیرا باید برای اهل قبرستان چنین دعا بخواند «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَلْآحِقُونَ نَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ»^(۱). و در روایتی دیگر: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ، يَغْفِرُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ، أَنْتُمْ سَلَفْنَا وَحَنُّ بِالْأَثَرِ»^(۲).

۱- مسلم ۲۱۴۶، ابن ماجه ۱۵۴۷، نسائی ۲۰۳۶، امام احمد ۲۳۱۰۱

۲- ترمذی ۱۰۵۴، حُجَّةُ اللَّهِ الْبَالِغَةُ، ج ۲، ۹۴.

در قبرستان نباید جزع و فزع کرد

امام بخاری و مسلم از انس روایت می‌کنند: پیامبر ﷺ زنی را مشاهده کرد که در کنار قبری گریه می‌کند فرمود: «اتقي الله واصبري» تقوی و صبر داشته باش، زن که پیامبر خدا را نشناخته بود پاسخ داد، به تو مصیبتی مانند مصیبت من نرسیده است، و بعد از رفتن پیامبر ﷺ به زن گفته شد که ایشان پیامبر خدا بودند، زن به منزل پیامبر ﷺ رفت و عرض کرد: شما را نشناختم. پیامبر ﷺ فرمود:

«إِذَا الصَّبْرُ عِنْدَ الصَّدْمَةِ الْأُولَى» «صبر، همان است که در آغاز مصیبت، باشد». در اینجا می‌بینیم که پیامبر خدا ﷺ زن را از جزع و فزع منع می‌کند اما او را از زیارت منع نفرمود^(۱).

نهی و منع رسول الله از داد و فریاد (جزع و فزع):

روایت است: عن عائشة رضي الله عنها قالت: لَمَّا جَاءَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَتَلَ ابْنَ حَارِثَةَ وَجَعْفَرَ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَعَبْدَ اللَّهِ بْنَ رَوَاحَةَ جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم يُعْرِفُ فِيهِ الْحُزْنَ قَالَتْ: وَأَنَا أَنْظُرُ مِنْ صَائِرِ الْبَابِ - شَقَّ الْبَابِ - فَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ نِسَاءَ جَعْفَرٍ وَذَكَرَ بُكَاءَهُنَّ فَأَمَرَهُ أَنْ يَذْهَبَ فَيَنْهَاهُنَّ فَذَهَبَ فَأَتَاهُ فَذَكَرَ أَنَّهِنَّ لَمْ يُطِيعْنَهُ فَأَمَرَهُ الثَّانِيَةَ أَنْ يَذْهَبَ فَيَنْهَاهُنَّ فَذَهَبَ ثُمَّ أَتَاهُ

۱- فهم صحیح سنت، ص ۱۲۴. روایت حدیث بین محدثین متفق است بخاری ۱۳۰۲، مسلم ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴، ابی داود ۳۱۲۴، ترمذی ۹۸۸، نسائی ۱۵۶۵، امام احمد ۱۲۳۱۹ و ۱۲۴۶۰ و ۱۳۲۷۲.

فَقَالَ: وَاللَّهِ لَقَدْ عَلَبْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَتْ: فَزَعَمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «أَذْهَبَ فَاخْتُ فِي أَفْوَاهِهِنَّ مِنَ التُّرَابِ»^(۱).

یعنی: «عایشه رضی الله عنها می فرماید: هنگامی که خبر شهادت زید بن حارثه، جعفر بن ابی طالب و عبدالله بن رواحه به رسول الله صلی الله علیه و آله رسید ایشان در مسجد نشست و آثار غم و اندوه، از چهره اش نمایان بود. عایشه رضی الله عنها می گوید: من از شکاف در، نگاه کردم شخصی نزد رسول الله آمد و از گریه و فغان (نال) زن های خانه جعفر رضی الله عنه خبر داد، رسول الله صلی الله علیه و آله به او امر کرد تا آن ها را از گریستن باز دارد آن شخص رفت اما دیری نگذشت که دوباره آمد و گفت: آنان به حرف من گوش نمی کنند رسول الله صلی الله علیه و آله بار دیگر فرمود: آنان را منع کن. آن شخص رفت و بار سوم برگشت و گفت: ای رسول خدا! آنان بر ما غلبه کردند. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: در دهانشان خاک بریز» (یعنی به هر صورت که شده است آنان را از این کار بازدار فتح الباری)^(۲).

کسی که بر سر و صورت خود بزند، از ما نیست:

روایت است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَطَمَ الْخُدُودَ، وَشَقَّ الْجُيُوبَ، وَدَعَا بَدْعَوَى الْجَاهِلِيَّةِ»^(۳).

یعنی: «عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کند که رسول الله فرمود: کسی که هنگام مصیبت به سر و صورت خود بزند و گریبانش را پاره کند و سخن جاهلی بر زبان آورد، از ما نیست»^(۱).

۱- بخاری ۱۲۹۵، مسلم ۲۰۴۹، ابی داوود ۳۱۲۲، نسائی ۱۸۴۹.

۲- مختصر صحیح بخاری ج ۱ ص ۳۷۶.

۳- بخاری ۱۲۹۸، مسلم ۱۰۳، ترمذی، ۱۰۰۰، نسائی ۱۸۶۲، ابن ماجه ۱۵۸۴،

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در وقت وفات به حضرت زهرا علیها السلام دستور داد که بعد از وفات من بر سر و صورت خود نزن و موها را آویزان مکن و با ویل و عویل فریاد نزن، و زن نوحه گر دعوت مکن^(۳).

ممنوعیت کندن مو هنگام مصیبت:

«عن أَبِي مُوسَى رضی الله عنه أَنَّهُ وَجَعَ وَجَعًا شَدِيدًا فَعُثِيَ عَلَيْهِ وَرَأْسُهُ فِي حَجَرِ امْرَأَةٍ مِنْ أَهْلِهِ، فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَرُدَّ عَلَيْهَا شَيْئًا؛ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ بَرِيءٌ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنْ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بَرِيءٌ مِنَ الصَّالِقَةِ وَالْحَالِقَةِ وَالشَّاقَةِ»^(۳).

یعنی: «از ابوموسی رضی الله عنه روایت است که او بیمار شد و از شدت بیماری بیهوش گشت در حالی که سرش، روی زانوی همسرش، قرار داشت و همسرش با صدای بلند گریه می کرد. ابوموسی نتوانست جلوی گریه او را بگیرد. اما هنگامی که به هوش آمد، گفت: من بیزارم از کسانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن‌ها بیزاری کرده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از زنانی که (هنگام مصیبت) با صدای بلند گریه می کنند و گریبان چاک (پاره می کنند) می دهند و موهای سرش را می کنند، اعلام برائت (دوری و بیزاری) نمود»^(۴).

زیاده روی در زیارت:

زیارت گورستان برای یادآوری آخرت است و این کار برای مرد و زن فرقی ندارد و مردان بیشتر از زنان بدین یادآوری نیازمند نمی باشند. گروهی

۱- مختصر صحیح بخاری . ج ۱ ص ۳۷۳.

۲- شمسوار کربلا، ص ۵۴، به نقل از کتاب فروغ کافی، ج ۲، ص ۲۱۴.

۳- امام بخاری ۱۲۹۶، نسائی ۱۸۶۵ ابن ماجه ۱۵۸۵ قال فی زوائد اسناد صحیح.

۴- مختصر صحیح بخاری، جلد ۱، ص ۳۷۵.

زیارت گورستان را برای زنان مکروه می‌دانند زیرا شکیبایی آن‌ها اندک و جزع و فریادشان بسیار است. و در حدیثی هم به روایت احمد و ابن ماجه و جامع ترمذی آمده است: «لَعَنَ اللَّهُ زَوَّارَاتِ الْقُبُورِ» یعنی «نفرین بر زنان زیارت کننده قبور». قرطبی گفته است: لعنت و نفرین در این حدیث متوجه زنانی است که فراوان به زیارت قبور روند، چون کلمه «زوارات» صیغه مبالغه است و شاید بدین جهت باشد که موجب تزییع حق شوهر و خودنمایی می‌گردد و بسیار فریاد و زاری می‌کنند و امثال این‌ها.

گاهی گفته می‌شود که اگر این مطالب نباشد اشکالی ندارد، چون برای مردان و زنان یاد مرگ نیکو است. شوکانی گفته است: با این توجیه قرطبی تناقض ظاهر احادیث از میان می‌رود^(۱).

از ساختن مسجد و درست کردن بنا، بر قبرها نهی و منع شده است

به مقتضای احادیث صحیح و صریح بنای مساجد بر گورها و روشن کردن شمع و چراغ بر آن‌ها حرام می‌باشد.

رسول اکرم ﷺ (درود خدا و فرشته گان بر او باد) به حضرت علی کرم الله وجهه دستور فرمودند: و ایشان نیز به ابوهیاج اسدی گفتند:

«أَلَا أُبَعِّثُكَ عَلَىٰ مَا بَعَّثَنِي عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنْ لَا تَدَعَ تِمْنَالًا إِلَّا طَمَسْتَهُ وَلَا قَبْرًا مُشْرِفًا إِلَّا سَوَّيْتَهُ»^(۱).

«آیاتو را بر آنچه پیامبر ﷺ مرا بر آن فرستاده، بفرستم و آن این که هر مجسمه‌ای را دیدی آن را از بین ببر، و هر قبر بلند شده‌ای دیدی با خاک یکسان کن»^(۲). و رسول خدا ﷺ از اینکه قبر گچکاری بشود، یا بنایی روی آن ساخته بشود، یا کسی روی آن بنشیند نهی فرمود:

«لَا تُصَلُّوا إِلَى الْقُبُورِ وَلَا تَجْلِسُوا عَلَيْهَا»^(۳) یعنی: «به سوی قبرها نماز نخوانید و روی آن‌ها ننشینید». و در روایتی دیگر «لَا تَجْلِسُوا عَلَى الْقُبُورِ وَلَا تُصَلُّوا إِلَيْهَا»^(۴).

۱- مسلم ۲۱۳۲، ترمذی ۱۰۵۰، ابی داوود ۳۲۱۸، نسائی ۲۰۳۳، حاکم ۳۶۹/۱، امام احمد

۱۰۷۴ و ۷۴۱، وسائل الشیعة: ۸۶۹/۲ و ۶۲/۳ حدیث حضرت علی حدیث حَسَنٌ است.

۲- سنت این است که قبور به اندازه یک وجب از سطح زمین مرتفع و برجسته باشد. رک به احکام جنایز، ص ۱۵۷.

۳- مسلم ۲۱۴۰، نسائی ۷۶۲.

زیرا این وسیله‌ای است که مردم قبرها را معبود قرار می‌دهند، و در به جای آوردن تعظیم آن‌ها بیجا افراط می‌کنند، پس بدین شکل در دین خود تحریف به وجود خواهند آورد، همچنانکه اهل کتاب چنین کردند، که آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به آن‌ها فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ»^(۳).

یعنی: «خداوند نفرین و لعنت کند یهود و نصاری را که قبور انبیاء خود را به صورت مسجد (پرستشگاه) در آوردند و آن را عبادتگاه ساختند»^(۳).
 باز رسول الله فرمودند: «قَاتَلَ اللَّهُ الْيَهُودَ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ»^(۴).
 یعنی: «مرگ بر یهود و از (رحمت خدا) بدور باشند که قبور پیامبران خود را عبادتگاه و مسجد ساختند».

امام بخاری و مسلم از حضرت عایشه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا روایت کرده‌اند که، ام‌حبیبه و ام‌سلمه بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از کلیسایی سخن گفتند که آن را در حبشه دیده و در آن تصاویری زده شده بود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفت: «إِنَّ أَوْلِيكَ إِذَا كَانَ فِيهِمُ الرَّجُلُ الصَّالِحُ فَمَاتَ بَنُوًا عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا، وَصَوَّرُوا فِيهِ تِلْكَ الصُّورَ، فَأَوْلِيكَ شِرَارُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^(۵).

یعنی: «بی‌گمان آنان هرگاه مرد صالحی در میانشان می‌مرد بر قبر او مسجد و عبادتگاهی می‌ساختند و اینگونه تصاویر را در آنجا می‌کشیدند،

۱- مسلم ۲۱۳۹، ابی داود ۳۲۲۹، ترمذی ۱۰۵۲.

۲- بخاری ۱۳۹۰، مسلم ۱۰۷۱ و ۱۰۷۳، مسند احمد ۸۷۹۶.

۳- حجة الله البالغة، ج ۲، ص ۹۱.

۴- بخاری ۴۳۷، مسلم ۱۰۷۲، ابی داود ۳۲۲۷، مسند احمد ۷۸۳۱ و ۷۸۳۶ و ۹۸۵۷ و

۹۱۵۵ و ۱۰۷۲۰.

۵- بخاری ۴۲۷ و ۴۳۴ و ۱۳۴۱ و ۳۸۷۸، مسلم ۱۰۶۸، نسائی ۷۰۰، مسند احمد ۲۴۳۰۶.

اینان روز قیامت نزد خداوند بدترین مردم هستند». صاحب کتاب المغنی گفته است: جایز نیست که قبور را به صورت عبادتگاه و مسجد درآورد، زیرا پیامبر ﷺ گفته است: «لَعَنَ اللَّهُ زَوَّارَاتِ الْقُبُورِ^(۱) وَالْمُتَّخِذَاتِ عَلَيْهِنَّ الْمَسَاجِدَ وَالسُّرُجَ»^(۲). یعنی: «خداوند لعنت کند زنانی را که به زیارت قبور می‌روند و آنجا را عبادتگاه ساخته و شمع و چراغ روشن می‌کنند».

امام نسائی در متن سنن نسائی به جای «لَعَنَ اللَّهُ» «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ» آورده است، اگر اینکار مباح می‌بود پیامبر آنگونه اشخاص را لعن و نفرین نمی‌کرد. بعلاوه در این کار اضاعه مال بدون فایده می‌باشد.

و در تعظیم و بزرگداشت قبور افراط و زیاده روی خواهد شد و شبیه به بت پرستی است و ساختن مساجد در قبور هم بنا به همین روایت جایز نیست. و پیامبر ﷺ گفته است: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» که ما را بر حذر می‌دارد از اینکه بمانند آنان رفتار کنیم. این حدیث بین محدثین متفق علیه است^(۳)، البته زنان نباید رفت و آمد زیادی به قبرستان داشته باشند، زیرا تردد و رفت و آمد زنان به قبرستان، موجبات خلاف شریعت، مانند: نوحه، اظهار زینت و آرایش و تفریحگاه قراردادن قبرستان و تزیین وقت را فراهم می‌سازد. همانطور که این کارهای خلاف شرع در بسیاری از کشورهای اسلامی مشاهده می‌شود. و ان شاء الله منظور این حدیث مشهور:

«لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (فِي لَفْظِ لَعَنَ اللَّهُ) زَوَّارَاتِ الْقُبُورِ».

۱- لفظ این حدیث در بین محدثین متفق است. ابی داود ۳۲۳۶، ترمذی ۳۲۰ و ۱۰۵۸،

نسائی ۲۰۴۲، ابن ماجه ۱۵۷۴ و ۱۵۷۵، مسند احمد ۱۵۶۵۷ و ۲۰۳۰.

۲- ابوداود ۳۲۳۶.

۳- فقه السنة، ج ۲، ص ۱۰۶۷.

«رسول الله ﷺ (و خداوند) زانی را که بکثرت به زیارت قبور می‌روند، لعنت کرده است».

همین است چنانکه صیغه مبالغه «زوارات»، بدان اشاره دارد^(۱).

حکم نماز خواندن به سوی قبر:

رسول الله ﷺ از خواندن نماز به سوی قبور، منع کرده و فرموده‌اند: «لَا تُصَلُّوا إِلَى الْقُبُورِ وَلَا تَجْلِسُوا عَلَيْهَا». (روایت امام بخاری و مسلم).

یعنی: «به سوی قبرها نماز نخوانید و روی آن‌ها ننشینید»^(۲). امام نووی رحمته الله علیه این قول را ترجیح می‌دهد و می‌گوید: رو به قبور نمودن در نماز بمعنی تعظیم فوق العاده قبور است و تعظیم نهایی شایسته خداوند است. در جای دیگر می‌گوید: این کار مکروه است. اگر کسی به قصد تبرک رو به سوی قبور، نماز بخواند بدعتی را در دین بوجود آورده است که خداوند اجازه ایجاد آن را نداده است. مراد کراهت تنزیهی است^(۳).

۱- احکام جنایز، ص ۱۴۴.

۲- صفة صلاة النبی، ص ۵۵.

۳- احکام جنایز ص ۱۵۹.

سفر به قصد قبرها

قال رسول الله ﷺ: «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ» یعنی: «نباید بقصد عبادت و زیارت جز به سه مسجد بار سفر بسته شود» همچنین پیامبر گرامی مسجد خودش را بعد از بیت الله الحرام دومین مسجد از مساجد سه گانه‌ای نام برده‌اند که بار سفر بستن تنها برای زیارت آن‌ها را جایز فرموده‌اند زیرا می‌فرمایند:

«لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ، وَمَسْجِدِي هَذَا، وَالْمَسْجِدُ الْأَقْصَى»^(۱).

یعنی: «تنها برای سه مسجد بار سفر بسته می‌شود، مسجدالحرام، این مسجد (مسجد نبوی) و مسجد الاقصی (بیت المقدس)».

در روایتی دیگر با این الفاظ آمده است: «إِنَّمَا يُسَافَرُ إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: مَسْجِدِ الْكَعْبَةِ وَمَسْجِدِي وَمَسْجِدِ إِبِلِيَاءَ»^(۲).

اما در سایر احادیث وارده در باره فضیلت زیارت قبر رسول ﷺ امر به سفر برای زیارت نشده است. ضمناً اینگونه احادیث، یا ضعیف هستند و یا موضوع و در خور استدلال نیستند. اکثر مردم تفاوت میان مسئله زیارت و مسئله سفر برای زیارت را نمی‌دانند، لذا مفهوم و روش حدیث را به گونه‌ای جلوه داده‌اند که هیچ گونه دلیلی بر آن وجود ندارد^(۳).

۱- بخاری ۲۸۹۵، ابی داود ۲۰۳۳، نسائی ۶۹۶، امام احمد ۷۲۵۳.

۲- امام بخاری، مسلم و اصحاب سنن.

۳- احکام جنائز ص ۱۷۵.

به همین خاطر رفتن به زیارت مسجد رسول خدا ﷺ برای قیام به نماز و ذکر و دعا و تقرب به خداوند برای کسانی که امکان چنین کاری داشته باشند، بسیار مطلوب است^(۱).

مردم دوران جاهلیت به قصد زیارت اماکن مقدسه مسافرت می کردند و به زعم خود از آن‌ها تبرک می جستند، طبیعی است که در این عمل نوعی تحریف و فساد است که برای همگان روشن است. رسول خدا ﷺ راه فساد را مسدود کرد تا امور و شعائر غیر دینی به امور و شعائر دینی بهم آمیخته نشوند و همچنین، این عمل واسطه‌ای برای عبادت نگردد، و من بر این باورم که قبر و محل عبادت هر ولی از اولیاءالله و کوه «طور» و به طور یکسان، مشمول نهی میباشند و دارای یک حکم هستند^(۲).

این نکته فراموش نشود که نهی مذکور شامل سفر برای تجارت و طلب علم نیست زیرا، سفر برای رسیدن به نیازهای مذکور (تجارت و طلب علم) انجام می گیرد نه برای رفتن به قصد احترام مکانی مخصوص. هم چنین مسافرت برای زیارت و دیدار برادر دینی مشمول نهی نیست. همان طور که شیخ الإسلام ابن تیمیه در فتاوی (ج ۲ / ۱۸۶) فرموده است^(۳).

فضیلت نماز در مسجد الحرام و مسجد نبوی مدینه:

از جابر رضی الله عنه روایت است: پیامبر خدا ﷺ فرموده: «صلاةٌ فی مسجدی هذا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ. إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَصَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

۱- کلیات اسلام، ص ۳۴۹، اللؤلؤ والمرجان ج ۲ ص ۱۵۰، الدرثمین فی سیرة

سیدالمرسلین، ج ۲، ص ۱۵۴.

۲- حجة الله البالغة، ج ۱، ص ۵۴۷.

۳- احکام جنائز، ص ۱۷۶.

أَفْضَلَ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ»^(۱).

یعنی: «نماز در مسجد من در مدینه ثواب و پاداش بیش از یک هزار نماز در غیر از مسجد الحرام را دارد و یک نماز در مسجد الحرام پاداش برابر یکصد هزار نماز در غیر آن را دارد».

رسول خدا ﷺ در مورد منزلت مسجد نبوی می‌فرماید:

«صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ، إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ». (روایت امام بخاری و مسلم).

یعنی: «یک نماز در مسجد من ثوابش از هزار نماز در سایر مساجد با ارزشتر است، به جز نماز در مسجد الحرام» و احادیثی در مورد فضیلت نماز در بیت المقدس آمده است که نماز در بیت المقدس پانصد برابر خواندن در دیگر مساجد است. بغیر از، مسجد الحرام و مسجد النبی^(۲).

فضیلت مسجد قبا:

رسول اکرم ﷺ چهار روز در قباء، اقامت گزید و آنجا مسجدی بنا نهاد، سپس صبح روز جمعه از آنجا حرکت کرد و هنگام نماز به محله «بنی سالم بن عوف» رسید و نماز جمعه را در آنجا اقامه فرمود^(۳)، و این اولین مسجدی است که پیامبر خدا ﷺ آن را تأسیس نموده اند، چنانچه خداوند در مورد آن می‌فرماید: ﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ

۱- بخاری ۱۱۹۰، ۳۲۶۴، مسلم ۳۲۶۹، ابن ماجه ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، نسائی ۲۸۹۹ و ۲۹۰۰، مسند احمد ۱۵۲۷۱.

۲- اللؤلؤ والمرجان، ج ۲، ص ۱۵۰ - کلیات اسلام، ص ۳۴۹ - الدر الثمین فی سیره سید المرسلین، ج ۲، ص ۱۵۴.

۳- نبی رحمت، سید أبوالحسن ندوی، ص ۱۸۷.

فِيهِ رَجَالٌ يُجْبُونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ ﴿١٧٨﴾ [التوبة: ١٠٨]. یعنی: «مسجدی (مانند مسجد قباء) که از روز نخست بر پایه تقوا بنا گردیده است، سزاوار آنست که در آن بر پای بایستی و نماز بگذاری، و در آنجا کسانی هستند که می‌خواهند خود را پاکیزه دارند و خداوند هم پاکیزگان را دوست می‌دارد».

فضیلت مسجد قبا بسیار است، بنابراین رسول الله ﷺ برای زیارت این مسجد گاهی سواره و گاهی پیاده می‌رفتند و در حدیث آمده است:

«صلاةٌ في مسجد قباء كعمرة»^(۱). یعنی: «یک نماز در مسجد قبا مانند یک ادای یک عمره است».

باز در حدیثی فرموده‌اند: «من تطهر في بيته، ثم أتى مسجد قباء فصلی فيه صلاة كان كأجر عمرة»^(۲). یعنی: «کسیکه در منزل خود وضو کند و در مسجد قباء یک نماز بخواند ثواب آن مانند یک عمره است»^(۳).

«عَنِ ابْنِ عُمَرَ رضي الله عنهما قَالَ: وَكَانَ يُحَدِّثُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ يَزُورُهُ رَاكِبًا وَمَاشِيًا، قَالَ: وَكَانَ يَقُولُ: إِنَّمَا أَصْنَعُ كَمَا رَأَيْتُ أَصْحَابِي يَصْنَعُونَ، وَلَا أَمْنَعُ أَحَدًا أَنْ يُصَلِّيَ فِي أَيِّ سَاعَةٍ شَاءَ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ غَيْرَ أَنْ لَا تَتَحَرَّوْا طُلُوعَ الشَّمْسِ وَلَا غُرُوبَهَا» (روایت امام بخاری).

یعنی: «عبدالله بن عمر رضي الله عنهما می‌گوید: رسول الله ﷺ گاهی پیاده و گاهی سوار به زیارت مسجد قبا می‌رفت. من همان کاری را انجام می‌دهم که سایر دوستانم می‌کنند. و هیچکس را از خواندن نماز، در سایر اوقات

۱- ابن ماجه ۱۴۱۱، و ترمذی ۳۲۴.

۲- ابن ماجه ۱۴۱۲، نسائی ۶۹۵، مسند احمد ۱۵۹۸۱.

۳- الدرثمین فی سیرة المرسلین، ج ۲، ص ۱۳۷.

شبانه روز، منع نمی‌کنم. البته هنگام طلوع و غروب آفتاب، نماز نخوانید»^(۱).

چگونگی زیارت مسجد پیامبر ﷺ:

۱- رفتن به مدینه منوره به نیت زیارت مسجد پیامبر ﷺ و نماز خواندن در آن در هر وقت سنت است، و بنا به فرموده پیامبر ﷺ نماز خواندن در مسجد شریفش از هزار بار نماز خواندن در دیگر مساجد بجز مسجدالحرام بهتر است.

۲- باید دانست که برای زیارت مسجد پیامبر ﷺ نیاز به احرام بستن و تلبیه گفتن نیست، و نیز زیارت آن با مراسم حج هیچ نوع ارتباطی ندارد.

۳- هنگامیکه به مسجد پیامبر رسیدید در وقت داخل شدن به آن پای راست خویش را پیش گذاشته (بسم الله) و صلوات به حضرت پیامبر ﷺ بگویید، و نیز از خداوند متعال بخواهید که دروازه‌های رحمت خود را به رویتان باز کند و دعاکنان بگوید:

«أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»^(۲)،
اللهم افتح لي أبواب رحمتك»^(۳).

یعنی: «پناه می‌برم به خداوند بزرگ، و روی کریمش و سلطان قدیمش از شر شیطان رانده شده، ای بار خدایا برایم دروازه‌های رحمت خویش را باز فرما».

۱- مختصر صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳۵۴.

۲- ابی داود ۴۴۶.

۳- ابی داود ۴۶۵، نسائی ۷۳۱، ابن ماجه ۷۷۲، امام احمد ۱۶۰۵۷.

البته این همان دعایی است که خواندن آن در وقت داخل شدن به همه مساجد سنت است.

۴- بعد از داخل شدن به مسجد پیامبر ﷺ قبل از هر کار دو رکعت نماز تحیه مسجد را ادا کنید، و اگر میسر بود که آن را در روضه مبارک (فاصله بین منزل و منبر پیامبر ﷺ) بخوانید خوب است، و اگر میسر نبود می‌توانید آن را در هر جایی از مسجد ادا کنید. بعد از ادای تحیه‌ی مسجد به سوی قبر پیامبر ﷺ بروید و رو به روی آن ایستاده با ادب و با آهستگی بگویید: «السلام عليك أيها النبي ورحمة الله وبركاته»^(۱). و نیز بر آن حضرت ﷺ صلوات و درود بگویید، و اگر گفتید: «اللهم آت الوسيلة والفضيلة وابعثه المقام المحمود الذي وعدته، اللهم أجزه عن أمته أفضل الجزاء»^(۲)، اشکالی ندارد.

سپس اندکی به طرف راست رفته و پیش قبر ابوبکر رضی الله عنه بایستید و بر وی سلام داده و برایش دعای خیر آمرزش و طلب رحمت کنید. و بعداً اندکی بسوی راست رفته پیش قبر عمر رضی الله عنه ایستاده و بر او نیز سلام داده برایش دعای مغفرت نمایید.

في رواية عن نافع: كان ابن عمر يسلم على القبر ورأيته مائة مرة أو أكثر يأتي ويقول: السلام على النبي، السلام على أبي بكر، السلام على أبي، يعني شارح مؤظاً امام مالک در حدیثی از نافع روایت می‌کند که و می‌گوید: «من

۱- ر.ک - احکام جنایز ص ۱۶۶ و ۱۶۷، به نقل از الاقتضاء.

۲- بخاری ۶۱۴، ترمذی ۲۱۱، ابی داود ۵۲۹، نسائی ۶۸۲، ابن ماجه ۷۲۲.

عبدالله بن عمر را بیش از صدبار دیدم که در مقابل قبر پیامبر ﷺ ایستاده و می‌گفت: السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ، السَّلَامُ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَالسَّلَامُ عَلَى أَبِي (پدرم).

۵- چنانچه برای شما سنت است که وضو گرفته به زیارت مسجد قبا بروید و در آنجا نماز بخوانید، زیرا که پیامبر ﷺ چنان کرده و دیگران را بر آن تشویق فرموده است.

۶- و نیز زیارت قبرهای اهل بقیع، قبر عثمان رضی الله عنه و شهدای اُحد، قبر حمزه رضی الله عنه سنت است، وقتی که به زیارت آن‌ها می‌روید برایشان سلام داده دعا کنید و از خداوند متعال برای آنان طلب مغفرت نمایید، زیرا که پیامبر ﷺ آن‌ها را زیارت نموده و برایشان دعا می‌فرمود و آن حضرت رضی الله عنه به یارانش تعلیم داده است که هنگام زیارت قبرها بگویند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِلْأَحْقُونَ كَسَأَلَ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ» (روایت مسلم).

باید در اینجا گفت: که در مدینه منوره مساجد و جاهای دیگر غیر از آنچه که گفته شد محل زیارت نیست که زیارت آن مشروع باشد، پس خویشتن را با بجا آوردن کارهایی که در آن برایتان پاداش ثوابی حاصل نمی‌شود به زحمت و تکلیف نیندازید بلکه شاید هم با بجا آوردن چنین اعمالی که مشروع نشده است گنهکار شوید^(۱).

کارهایی را هنگام زیارت مسجدالنبی نباید انجام داد:

دست‌زدن به دیوارها و میله‌های آهنین در وقت زیارت قبر پیامبر ﷺ و بستن تارها و پارچه‌ها در پنجره‌ها به قصد تبرک از اشتباهات و خطاهایی است که بعضی از زائرین مرتکب آن می‌شوند.

لمس کردن روضه مبارک، بوسیدن آن و طواف به دور آن بدعت منکر است و از سلف صالح نقل نشده است، و اگر هدفش از طواف به دور آن تقرب و نزدیکی به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد، پس آن شرک اکبر است. طواف فقط به دور بیت الله امر گردیده است که خداوند چنین می‌فرماید: ﴿وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ [الحج: ۲۹].

یعنی: «و طواف کعبه را گردخانه عتیق (بیت الحرام) بجا آورند». رفتن به غارها در کوه احد، غار حراء و غار ثور در مکه مکرمه، و بستن پارچه‌ها در نزدیکی آن‌ها (اگر چنانچه قصد دیدن آثار وحی و مکان‌های نزول وحی باشد اشکالی ندارد و لاغیر مشروع نیست) و دعا نمودن به دعاهایی که خداوند متعال به آن اجازه نداده است و تحمل سختی در رفتن به این جاها همه بدعت‌هایی است که در شرع مقدس اصل و اساسی ندارد. - زیارت بعضی جاهایی که بعضی‌ها گمان می‌کنند که از آثار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد، مانند جای زانو زدن شتر پیامبر، چاه خاتم، و چاه عثمان و گرفتن خاک از آنجا به نیت تبرک تمامی این‌ها مشروع نیست.

- برای هیچکس جایز نیست که از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیازمندی‌های خویش را بخواهد و یا از آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بخواهد که مشکلاتش را حل کند و در سختی‌ها او را یاری دهد، خواستن چنین اموری از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همه شرک است.

- زندگانی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آرامگاهش زندگی برزخی بوده و از نوع زندگیشان قبل از رحلتشان نیست، و زندگانی است که بجز خداوند متعال چگونگی و کیفیت آن را کسی نمی‌داند.

- متوجه ساختن دعا «یعنی خواستن نیازمندی‌ها در دعا» به مردگان در وقت زیارت قبرهای بقیع و قبرهای شهدای احد و انداختن پول نزد آن‌ها

به قصد تبرک و تقرب به اهل این قبرها از اشتباهات بس بسیار بزرگی است، بلکه بنا به گفته اهل علم و دلالت قرآن شریف و سنت پیامبر ﷺ از شرک اکبر به شمار می‌رود، زیرا که عبادت و پرستش تنها مخصوص خداوند ﷻ است و اداء نمودن عبادتی از عبادات چون دعا، قربانی، نذر و غیره برای غیر خداوند مشروع و جایز نیست، چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ﴾ [البینه: ۵]. ﴿وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ﴾ [البینه: ۵]. یعنی: «و امر نشدند مگر براینکه خدا را خالصانه و بدون انحراف عبادت کنند»^(۱).

و نیز می‌فرماید: ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۱۸].

یعنی: «و آنکه مسجدها خاص برای خداست پس مخوانید با خدا هیچ کسی را»^(۲).

فضیلت منزل و منبر رسول الله ﷺ:

رسول الله ﷺ فرموده است: «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ». (روایت متفق علیه).

«فاصله بین منزل و منبر من باغی است از باغ‌های بهشت».

ایشان در جای دیگر فرموده‌اند: «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَمَنْبَرِي عَلِي حَوْضِي»^(۱) «میان خانه من و منبرم باغی است از باغ‌های بهشت و منبرم برحوض قرار گرفته است»^(۲).

۱- اقتباس ترجمه آیات مهدی الهی قمشه‌ای.

۲- رهنمای حج و عمره، ص ۷۱..

پس از معنی و مفهوم احادیث گذشته دانستیم که رسول خدا ﷺ از سفر زیارت به قصد عبادت به غیر از سه مسجد منع و نهی کرده است، فقط فضیلت مسجدها را بیان فرموده‌اند پس زیارت به قصد عبادت با توجه به احادیث رسول الله و یا قربت به قصد عبادت از نظر شرع حرام و هیچ عبادتی نزد خداوند متعال مقبولیت ندارد مگر اینکه صاحب شرع در مورد آن اجازه داده باشد. والله اعلم.

۱- متفق علیه.

۲- مختصر صحیح بخاری، ج ۲، ص ۳۵۴ - اللؤلؤ والمرجان، ج ۲، ص ۱۵۰ - الدرثمین، ج ۲، ص ۱۵۴.

زندگان با مردگان برابر نیستند

بر اساس نص صریح قرآن و سنت، زندگان با مردگان برابر نیستند، همانطوری که نابینا با بینا و نور با تاریکی و سایه با بادگرم، چون خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ﴿٢٠﴾ وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ ﴿٢١﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ ﴿٢٢﴾ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ ﴿٢٣﴾﴾ [فاطر: ۱۹-۲۲].

یعنی: «نابینا و بینا برابر نیست و نه تاریکی و روشنایی. و نیز سایه و باد گرم. و زندگان و مردگان برابر نیستند بیگمان خداوند هرکس را بخواهد می‌شنواند، و تو شنواننده خفتگان در گور نیستی».

بعضی گمان می‌برند که، اولیاءالله و یا انسان‌های متقی و پرهیزکار می‌شنوند، دلایل‌شان بر حدیث زیر که ما آن را از دو صحیح یعنی صحیح امام بخاری و امام مسلم استخراج کرده در اینجا عین حدیث می‌آوریم که پیامبر ﷺ بر اهل قلب چه گفته و منظور از گفتن آن چه بوده است؟، و در صحیحین آمده است:

«أَنَّ ابْنَ عُمَرَ رضي الله عنه أَخْبَرَهُ قَالَ: أَطَّلَعَ النَّبِيُّ ﷺ عَلَىٰ أَهْلِ الْقَلْبِ، فَقَالَ: وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا؟ فَقِيلَ لَهُ: أَتَدْعُو أَمْوَاتًا؟ فَقَالَ: مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعِ مِنْهُمْ، وَلَكِنْ لَا يَجِيبُونَ»^(۱). «از ابن عمر رضي الله عنه روایت است، گفت: پیامبر ﷺ بر اهل قلب نگریست و فرمود: آیا آنچه را که پروردگارتان به شما وعده داد

حق یافتید؟ به پیامبر ﷺ گفته شد: آیا مردگان را ندا می‌کنی؟ فرمود: شما از آنان شنونده‌تر نیستید اما آنان نمی‌توانند جواب دهند».

«عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: إِنَّمَا قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّهُمْ لَيَعْلَمُونَ الْآنَ أَنَّ مَا كُنْتُ أَقُولُ حَقًّا» وقد قال الله تعالى: ﴿إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى﴾ [النمل: ۸۰].^(۱)

یعنی: «حضرت عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فرمود: همانا پیامبر ﷺ فرمود: آنان اکنون به تحقیق می‌دانند آنچه من می‌گفتم حق است و خداوند گفته است: تو نمی‌توانی به مردگان بشنوانی».

منظور حضرت عایشه رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا این است که پیامبر ﷺ مردگان را مورد خطاب و ندا قرار نداد چون خداوند می‌فرماید که: «مردگان نمی‌شنوند» بلکه منظور ایشان این بود که این مردگان اکنون در عالم برزخ دریافته‌اند که سخنان من (پیامبر ﷺ) حق بوده است.

بعضی‌ها تصور می‌کنند مردگان می‌شنوند غافل از فرموده رسول الله در کنار چاه بدر قرار گرفت و خطاب به کشته‌های مشرکین گفت: آنان می‌دانند که آنچه من به آنان می‌گفتم حق بوده است: «وَدَاكَ مِثْلُ قَوْلِهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَامَ عَلَى الْقَلِيبِ يَوْمَ بَدْرٍ وَفِيهِ قَتْلَى بَدْرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَهُمْ مَا قَالَ: «إِنَّهُمْ لَيَسْمَعُونَ مَا أَقُولُ». وَقَدْ وَهَلَ إِنَّمَا قَالَ: «إِنَّهُمْ لَيَعْلَمُونَ أَنَّ مَا كُنْتُ أَقُولُ لَهُمْ حَقًّا». ثُمَّ قَرَأَتْ ﴿إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى﴾ ﴿وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَن فِي الْقُبُورِ﴾ [فاطر: ۲۲]^(۲).

و این مانند این گفته ابن عمر رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ است که: رسول خدا ﷺ بر روی چاه بدر در روز بدر قرار گرفت در حالی که درون چاه کشته‌های مشرکین

۱- بخاری ۱۳۷۱.

۲- مسلم ۲۰۴۲.

در بدر قرار داشتند و به آنان گفت: که آنان آنچه را که من می‌گویم می‌شنوند» عایشه گفت: ابن عمر اشتباه کرده بلکه پیامبر فرمود: «آنان می‌دانند که آنچه من به آنان می‌گفتم حق بوده است سپس این آیه را تلاوت کرد: «همانا نمی‌توانی به مردگان بشنوانی» [النمل: ۸۰] «و تو نمی‌توانی به کسانی که در قبرها هستند بشنوانی» [فاطر: ۲۲].

آیا می‌توانیم از مردگان طلب شفاعت کنیم؟

تصور افراطی از شفاعت، که از قیاس جهان دیگر بر این جهان به این صورت که در جهان آخرت نیز مانند همین جهان، سلسله مراتبی از بالا به پایین خویش و بیگانه و آشنا و ناآشنا وجود دارد و بالانشین‌ها برای نزدیکان و خویشان و افراد گروه وابسته به خود شفاعت و پا در میانی می‌کنند و آنان را از گناهان کبیره و صغیره پاک کرده و راهی بهشت می‌نمایند و شفاعت عام خاتم النبیین ﷺ شامل حال تمام گناهکاران امتش اعم از گناهان کبیره و صغیره می‌شود. اما این تصور واهی و افراطی در باره شفاعت دروازه تمام جرائم و گناهان کبیره را بدون هیچ عیب و رعب و هراسی بر روی گناهکاران می‌گشاید. و اعتقادی شبیه مسیحیان که چون مسیح قربانی معاصی پیروانش گشته است آنان از ارتکاب گناهان کبیره هراسی ندارند، در میان مسلمانان نیز پدید می‌آید. قرآن کریم چنان تصویری از شفاعت را شدیداً رد کرده و فرموده است: اولاً در جهان دیگر چنین نیست که هر نیک مردی هرگاه بخواهد بتواند مقام شفیع شدن را دارا باشد، و شفاعتی را به عمل آورد بلکه تنها کسانی می‌توانند مقام شفاعت کننده را دارا باشند که از جانب خدا دستور عینی به آنان داده شود:

﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ [مریم: ۸۷].

«یعنی هیچکس دارای توان شفاعت کردن نیست مگر کسانی که عیناً از خدا

دستور می‌گیرند و برای این کار مأموریت پیدا می‌کنند». و ثانیاً در جهان دیگر چنین نیست که شفاعت کننده برای هرکس بخواهد شفاعت کند، بلکه شفاعت کردن هریک از شفیعیان مقید است به اینکه خدا عیناً آن شخص و آن جرم را برای او معین نماید ﴿لَا تُغْنِي شَفَعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى﴾ [النجم: ۲۶].

یعنی: «شفاعت آنان سودی نمی‌بخشد و کاری نمی‌سازد مگر بعد از آنکه خدا اذن و فرمان دهد برای کسی که می‌خواهد و (از اینکه برای او شفاعت کنند) راضی است».

خلاصه در جهان دیگر برخلاف این جهان^(۱)، شفاعت از بالا به پایین است و شفاعت در آخرت از آن خداست و به قول قرآن کریم ﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعاً﴾ [الزمر: ۴۴]. و چنین شفاعتی در جهان دیگر قطعاً وجود دارد، اما شفاعت به صورتی که در این جهان دیده می‌شود، که ردیف معامله‌ها و دوستی‌ها و روابطی خارج از حدود ضوابط تحقق می‌یابد، در جهان دیگر قطعاً وجود ندارد:

﴿يَوْمَ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَعَةٌ﴾ [البقرة: ۲۵۴].

«روزی فرا میرسد که در آن روز نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی و نه شفاعتی وجود نخواهد داشت»^(۲).

۱- وارونه کردن فرضیه شفاعت، برای حلّ کلیه مشکلات، دقیقاً عملکرد «کپرینک» و «کانت» را به یادمان می‌آورد. ر. ک - سیر تحلیلی کلام اهل سنت، ص ۳۸۰.
 ۲- سیر تحلیلی کلام اهل سنت از حسن بصری تا ابوالحسن اشعری، ص ۳۸۰ - ۳۹۷، مؤلف: ملا عبدالله احمدیان.

عربها معنی (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) را می فهمیدند ولی دانستند هرکس گوینده آن باشد، باید عبادت غیر خدا را ترک گوید. ولی امروزه بعضی از مسلمانان معنی آن را نمی فهمند (معنای آن این است که هیچ معبود بحقی جز الله وجود ندارد) و بدین خاطر به زبان هایشان می گویند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و با افعال شان آن را نقض می کنند، بطوری که غیرخدا را فرا می خوانند و احکام و دستورات خود را از غیر شریعت خداوند می گیرند و چه بسا برای غیر خداوند نذر می کنند و اعمال شرک آلود دیگر مرتکب می شوند.

برحذر داشتن از اعمال شرک آلودی مانند دعا و فراخواندن غیرخدا که خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۚ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنْ الظَّالِمِينَ﴾ [یونس: ۱۰۶].

«و بجای خدا کسی و چیزی را پرستش مکن و به فریاد مخوان که به تو نه سودی می رساند و نه زبانی. اگر چنین کنی از مشرکان و ستمکاران خواهی شد». ابطال این عقیده که برخی به زعم خود به اولیاء توسل می جستند و فکر می کردند با فراخواندن آنها به قرب الهی نائل خواهند آمد و این اولیاء و بزرگان در نزد خداوند برایشان شفاعت خواهند نمود. خداوند در رد چنین تفکری خطاب می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۳].

«کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را می گیرند (و بدان قرب و توسل می جویند، می گویند): ما آنان را پرستش نمی کنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند، خداوند روز قیامت میان ایشان (و مؤمنان) درباره

چیزی که در آن اختلاف دارند داوری خواهد کرد. خداوند دروغگوی کفر پیشه را هدایت و رهنمود نمی‌کند».

خداوند ﷻ در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَتُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [یونس: ۱۸].

«اینان غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه بدیشان زیان می‌رسانند و نه سودی عائدشان می‌سازند، و می‌گویند: این‌ها میانجی‌های ما در نزد خدایند، بگو: آیا خدا را از وجود چیزهایی (بنام بتان و انبازهای یزدان) باخبر می‌سازید که خداوند در آسمان‌ها و زمین سراغی از آن‌ها ندارد؟ خداوند منزّه و فراتر از آن چیزهایی است که مشرکان انبازشان می‌دانند».

هرکس بخشی از عبادت مانند دعا را به غیر خدا اختصاص دهد ولو اینکه هدفش تقرب به خداوند باشد و یا طلب شفاعت از دیگران در نزد خداوند کند، محکوم به کفر و شرک است با نهایت تأسف امروزه این تفکر در نزد بسیاری از مسلمانان گسترش یافته و هنگامی که از مسلمانان می‌پرسی که: چرا اولیاء را فرا می‌خوانید و به آن‌ها توسل می‌جوید؟!.

به تو جواب می‌دهند که: می‌خواهم توسط آن‌ها به خدا تقرب جویم تا در نزد خداوند مرا شفاعت کنند!^(۱).

اکنون با توجه به آیات محکم خداوند متعال هیچکس بدون اجازه او نمی‌تواند کسی را شفاعت کند به آیات در این مورد توجه کنید.

﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا﴾ [الزمر: ۴۴].

«بگو (ای رسول:) شفاعت تنها از آن خداست (در اختیار خداوند است)».

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

یعنی: «کیست که بدون اجازه او بتواند نزد او (برای دیگران) شفاعت کند؟».

﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرَادَ﴾ [الانبیاء: ۲۸].

یعنی: «بجز آن‌هایی که خداوند راضی است، شفاعت نمی‌نمایند».

﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ [المدثر: ۴۸].

یعنی: «شفاعتِ شفاعت‌کنندگان سودی برای آن‌ها در بر نخواهد داشت».

پس با این حساب انسان نمی‌داند که خداوند از چه کسی راضی است، و از چه کسی راضی نیست، چون انسان قدرتی بر دانستن غیب ندارد، عالم به غیب فقط خداوند متعال است چنانچه می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ [النمل: ۶۵].

«بگو: هرآنچه در آسمان‌ها و زمین است غیب را نمی‌داند مگر خداوند».

(شفاعت) جز با رضایت خداوند هیچگونه شفاعتی وجود ندارد، و شفاعت تنها برای خدا پرستان اهل توحید است و در آنجا (آخرت) هیچ چیز بجز سعی و تلاش انسان برای او مفید واقع نمی‌شود و بار گناه هیچکس را بر دوش دیگری نمی‌گذارند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ ﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ [النجم: ۳۸-۳۹].

یعنی: «اینکه هیچکس بارگناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد، و اینکه پاداش و

بهره‌ای برای انسان نیست جز آنچه که خود برای آن کوشش کرده باشد»^(۱).

وظایف پیامبران

وظیفه پیامبران با توجه به آیات تنها بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده هستند، و خداوند متعال در این خصوص چنین می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾ [فاطر: ۲۴]. «ما تو را به حق مژده رسان و هشدار دهنده فرستادیم، و امتی نیست مگر آنکه در میان آنان هشدار دهنده‌ای بوده است».

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ﴾ [النساء: ۱۶۵].

یعنی: «پیامبرانی بشارت دهنده و هشدار دهنده».

خداوند متعال به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین می‌فرماید:

﴿إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ﴾ [فاطر: ۲۳].

«تو فقط هشدار دهنده هستی».

حتی خداوند متعال به این موضوع نیز اشاره می‌نماید که پیامبران مسئولیت دعوت به توحید را دارند اما هدایت یافتن انسانها در اختیار ایشان نیست. و سلطه‌ای بر قلب آدمیان ندارد.

﴿فَدَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ۚ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ﴾ [الغاشية: ۲۱-۲۲].

«تذکر بده و یاد آوری کن، تو تنها تذکر دهنده هستی، و بر ایشان سلطه‌ای

نداری»^(۱).

درگاه خداوند همیشه باز است

قرآن راه‌های ارتباطی خداوند را با بندگانش گشوده است، و برای دلالی و واسطه‌گری کسانی که می‌خواهند ارتباط میان خالق و مخلوق را در اختیار بگیرند و احتکار نمایند و این توهم را در اذهان مردم به وجود بیاورند که بجز از طریق آن‌ها نمی‌توان با خداوند پیوند و ارتباط پیدا کرد، هیچ جایگاهی قائل نمی‌شود. درگاه خداوند برای همه کسانی که آهنگ او کنند، باز است و دست‌های او در خیر رسانیدن و در جهت منفعت و مصلحت همه کسانی که در برابرش دست به دعا برمی‌دارند گشاده است؛ همچنان که خود می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ [البقرة: ۱۸۶]^(۱).

«هرگاه بندگانم در مورد من از تو سؤال کنند، بگو که: به راستی من (به ایشان) نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامیکه مرا بخواند پاسخ می‌گویم.»

اضافه کردن عباد به خود، پاسخ رویاروی و بدون واسطه خدا بدیشان، بدین معنی که نفرمود: به آنان بگو: من نزدیکم... بلکه خداوند بزرگوار خودش و به مجرد درخواست بندگان، پاسخ آنان را عهده دار گردید و گفت: نزدیک هستم... و نگفت: دعا را می‌شنوم... بلکه در پاسخ دادن به ندا و دعا شتاب به کار برد و گفت: ﴿أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ «دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند پاسخ می‌گویم» کار حیرت‌انگیز و آیه شگفت‌آوری است... آیه‌ای است که به دل شخص ایماندار، شادابی فرح افزا و

مهرخوگرانه و خوشنودی آرام بخش و اعتماد و یقین می‌بخشد... و مؤمن با داشتن این‌ها، در آستان رضایت، و جوار شادی و نشاط، و پناهگاه امن و امان، و قرارگاه محکم و استوار می‌زید.

در سایه این انس محبت آمیز، و نزدیکی مهربیز، و پاسخ‌گویی الهام انگیز، خداوند بندگان خویش را فرا می‌خواند تا دعوت او را بپذیرند و فرمانش را لبیک گویند، و اوامر او را بپذیرند و راه راست گیرند و راهیاب و رهنمون گردند. بر ایشان لازم است که او را به کمک بطلبند و در برآوردن درخواست خویش شتاب نورزند. زیرا خداست که به درخواستشان در وقت مناسبی که برابر سنجش حکیمانه‌اش مشخص داشته است پاسخ می‌گوید و دعایشان را اجابت می‌فرماید.

در صحیح بخاری و مسلم آمده است که رسول خدا ﷺ فرموده است:

«يَسْتَجَابُ لِأَحَدِكُمْ مَا لَمْ يَجْعَلْ يَقُولُ: دَعْوَتِ فُلَمٍ يَسْتَجِيبُ لِي».

یعنی: «دعای کسی که از شما پذیرفته می‌شود که شتاب نورزد (بدین معنی که) بگوید: دعا کردم و نیاز خواستم اما دعایم پذیرفته نشد و نیازم برآورده نگردید»^(۱).

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [غافر: ۶۰].

«و پروردگارتان گفت، مرا بخوانید تا دعایتان را مستجاب کنم»^(۲).

﴿وَمَنْ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ [ق: ۱۶].

«ما از شاهرگ گردن به او (انسان) نزدیک‌تریم».

۱- تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۴۷۲-۴۷۴.

۲- قرآن منشور زندگی ص ۱۲۳.

همچنین خداوند متعال، راه و رسم گروهی از مردم را در هویت و شخصیت انسانی خود را از دست می‌دهند و دنباله‌رو دیگران می‌شوند، مذموم و ناپسند می‌شمارد:

﴿وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَصَلُّوا إِلَيْنَا سَبِيلاً﴾ [الأحزاب: ۶۷].

یعنی می‌گویند: «پروردگارا، ما از پیشوایان و بزرگان خود اطاعت و پیروی کردیم و آنان ما را دچار گمراهی نمودند»^(۱).

با توجه به مطالب گذشته آیا می‌توان از کسی غیر از خدا (اعم از مرده و زنده) تبرک جست؟

یکی دیگر از بدعت‌های تازه به وجود آمده تبرک به مخلوقین است که نوعی از انواع بت پرستی است و حقه‌ای است که با آن غارتگران، اموال مردم ساده لوح را به چنگ خود در می‌آورند، و تبرک یعنی طلب برکت و آن قرار دادن خیر در چیزی و زیاد کردن آن است ولی این کار در توانایی کسی است که مالک آن باشد و برآن توانایی داشته باشد که فقط خدای سبحان است که آن توانایی را دارد. او است که برکت را می‌فرستد و آن را ثابت نگه می‌دارد، اما خداوند متعال در قرآن کریم تمامی درخیر و برکت و شر و تمامی افزودنی‌ها و کم و زیاد کردن روزی و رزق، بخشیدن فرزند دختر و پسر، بغیر از خودش بسته و اوست بر همه کس و همه چیز احاطه دارد، در قرآن کریم چنین می‌فرماید:

﴿سُبْحٰنَ الَّذِيْ اَسْرٰى بِعَبْدِهٖ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا الَّذِيْ بَرَكْنَا حَوْلَهٗ لِيُرِيَهُوْ مِنْ اٰيٰتِنَا اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيْرُ﴾ [الإسراء: ۱].

«پاک و منزّه است خدایی که (در مبارک شبی) بنده خود (محمد) را از مسجد الحرام به مسجدالاقصایی که پیرامونش را مبارک (پربرکت) و پر نعمت ساختیم، سیر داد تا آیات خود را به او بنماید که خدا به حقیقت شنوا و بیناست»^(۱).

﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۚ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ ۚ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾ [الشوری: ۴۹-۵۰].

«خداست تنها مالک زمین و آسمانها هرچه بخواهد می‌آفریند و به هرکه خواهد فرزند دختر و به هرکه خواهد فرزند ذکور (پسر) عطا می‌کند، یا در یک رحم دو فرزند پسر و دختر قرار می‌دهد و هرکه را خواهد عقیم می‌گرداند که او دانا و تواناست»^(۲).

﴿وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ﴾ [الحجر: ۲۱].

«و هیچ چیز در عالم نیست جز آنکه منبع و خزینه آنها نزد ما خواهد بود. (ولی از آن بر عالم خلق) إلا به قدر معین که مصلحت است نمی‌فرستیم»^(۳).

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ ۗ لَقَدِيرُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۸].

«و ما برای شما آب را بقدر معین از آسمان نازل و او را ساکن در زمین ساختیم و محققاً بر نابود ساختن آن نیز قادریم»^(۴).

۱- اقتباس از ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.

۲- همان منبع.

۳- همان منبع.

۴- همان منبع.

﴿فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۸۴].

«آنگاه هرکه را خواهد ببخشد و هرکه را خواهد عذاب کند و خداوند بر هر چیز تواناست»^(۱).

﴿وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَعَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَٰكِن يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ [الشورى: ۲۷].

«لیکن روزی خلق را به اندازه‌ای که بخواهد نازل می‌گرداند خدا به احوال بندگانش بصیر و آگاه است»^(۲).

﴿وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ﴾ [الرعد: ۸].

«و مقدار همه چیز در علم ازلی خدا معین است»^(۳).

﴿وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا﴾ [الأحزاب: ۳۸].

«و فرمان خدا حکمی نافذ و حتمی خواهد بود»^(۴).

اما مخلوق نه توانایی اعطای برکت و بوجود آوردن آن را دارد و نه توانایی ابقاء و ثابت نگه داشتن آن (و نام خداوند متعال خود صاحب برکت است و تبارک اسم ربک ذی الجلال والإکرام).

پس تبرک جستن به اماکن و آثار و اشخاص زنده و مرده با توجه به نصوص صریح آیات قرآن حرام است، چون حضرت رسول الله ﷺ از آن نهی کرده و فرموده: «وَأَيَّاكُمْ مُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ

۱- همان منبع.

۲- همان منبع.

۳- همان منبع.

۴- همان منبع.

صَلَاةٌ^(۱)، وَكُلُّ صَلَاةٍ فِي النَّارِ^(۲)، لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمُ الْمَسَاجِدَ.

اگر معتقد باشد آن شیء اعطای برکت می‌کند، شرک است و اگر معتقد باشد که زیارت و لمس و مسح کردن آن سبب حصول برکت از طرف خداست در این حالت وسیله‌ای برای رسیدن به شرک است اما آنچه اصحاب نسبت به پیامبر ﷺ انجام می‌دادند مانند تبرک جستن به موی پیامبر ﷺ و آب دهان و آنچه از جسمش جدا می‌شد - همانطور که قبلاً گفته شد - خاص پیامبر ﷺ در حال حیات و وجودش بین آن‌ها است. چون اصحاب ﷺ، به خانه و قبر او بعد از وفاتش تبرک نمی‌جستند و به اماکنی که پیامبر ﷺ در آنجا نماز خوانده بود یا نشسته بود تبرک نمی‌جستند.

بنابراین تبرک جستن به مقامات اولیاء به طریق اولی درست نیست، اصحاب ﷺ به اشخاص صالحی مانند ابوبکر، عمر و سایر بزرگان صحابه نه در حیات و نه بعد از مرگ آنان تبرک نمی‌جستند و به غار نمی‌رفتند تا در آنجا نماز بخوانند یا دعا کنند. به کوه طور (جایی که خداوند با موسی صحبت کرد)، نمی‌رفتند تا آنجا نماز بخوانند و دعا کنند یا به کوه‌هایی نرفتند که گفته می‌شد آنجا محل اقامت پیامبران یا افرادی دیگر است یا به جایی نمی‌رفتند که محل اجتماع مردم باشد و روی اثر و علامتی از پیامبران بناء درست کرده باشند. هیچکدام از سلف مکانی را که پیامبر ﷺ مکه و سایر

۱- مسلم و اصحاب سنن - حافظ ابن رجب در شرح اربعین می‌گوید: فرموده پیامبر ﷺ «كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ» از عبارتهای جامعی است که هیچ استثنائی نمی‌پذیرد و این اصل بزرگ از اصول دین است، فرقی ندارد که در مسایل اعتقادی باشد یا اعمال و اقوال ظاهری و باطنی. ر. ک. به الاعتصام امام شاطبی (۳۷/۲).

۲- نسائی، ابن خزیمه به سند صحیح.

اماکن نماز می‌خواند، نمی‌بوسیدند و به آن سلام نمی‌کردند. پس وقتی پیامبر ﷺ برای امتش مشروع نکرده جایی را که قدم بر آن گذاشته و روی آن نماز خوانده مسح کنند و ببوسند، محل خواب و نماز غیر او به طریق اولی نباید بوسیده شود یا مسح شود علماء از عمل ضروری دین اسلام فهمیده‌اند که بوسیدن و مسح کردن این چیزها از شریعت پیامبر ﷺ نیست^(۱). این است دلیل ما از قرآن و سنت پیامبر ﷺ.

والحمد لله رب العالمین

منابع کتاب

- ۱- قرآن کریم
- ۲- تفسیر فی ظلال القرآن - شهید سیدقطب، نشر احسان.
- ۳- صحیح بخاری - محمد بن اسماعیل بخاری.
- ۴- صحیح مسلم - مسلم بن حجاج نیشابوری.
- ۵- سنن ترمذی - محمد بن عیسی ترمذی.
- ۶- سنن نسایی - احمد بن علی.
- ۷- سنن ابوداود - سلیمان بن اشعث سجستانی.
- ۸- سنن ابن ماجه - محمد بن یزید بن ماجه.
- ۹- مسند احمد - امام ابو عبدالله بن محمد بن حنبل شیبانی (امام حنبل).
- ۱۰- مختصر صحیح بخاری - عبداللطیف الشرجی الزبیدی مترجم عبدالقادر ترشایی. انتشارات حرمین.
- ۱۱- اللؤلؤ والمرجان - محمد فواد عبدالباقی - مترجم ابوبکر حسن زاده - نشر احسان.
- ۱۲- فقه السنة - دکتر سیدسابق - مترجم: دکتر محمد ابراهیمی انتشارات سقز.
- ۱۳- سیر تحلیلی کلام اهل سنت از حسن بصری تا ابوالحسن اشعری، ملا عبدالله احمدیان نشر احسان.
- ۱۴- قرآن شناسی - محمد بن جمیل زینو، مترجم یونس یزدان پرست و محمد آزاد شفیعی، نشر احسان.

- ۱۵- نبی رحمت، سید ابوالحسن ندوی، مترجم مولانا محمدقاسم قاسمی، انتشارات شیخ الإسلام.
- ۱۶- منهاج المسلم (کلیات اسلام) - شیخ ابوبکر جزایری - مترجم: عبدالعزیز سلیمی انتشارات احسان.
- ۱۷- کتاب المسجد وبيت المسلم - شیخ ابوبکر جزایری مترجم: سعید فاضلی - انتشارات جامعه الأحناف تايباد.
- ۱۸- حجة الله البالغة - الإمام دهلوی - ترجمه: محمد یوسف حسین پور - انتشارات شیخ الإسلام احمد جام.
- ۱۹- كيف نتعامل مع القرآن العظيم (قرآن منشور زندگی) دکتر یوسف قرضاوی - ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان.
- ۲۰- كيف نتعامل مع السنة النبوية (فهم صحيح سنت) دکتر یوسف قرضاوی - ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، نشر احسان.
- ۲۱- صفة صلاة النبي - محمد ناصر الدين آلبانی - مترجم: عبدالله ریگی احمدی - نشر حرمین.
- ۲۲- الدر الثمین فی سیره سید المرسلین - عبدالرشید نعیمی.
- ۲۳- سنت و بدعت - دکتر یوسف قرضاوی، نشر سنت تايباد.
- ۲۴- کتاب التوحید، صالح بن فوزان بن عبدالله - مترجم: محمد انصاری ناشر مترجم.
- ۲۵- دليل الحاج والمعتمر وزائر مسجد الرسول ﷺ - مجموعه من العلماء - مترجم: ممتاززاده (راهنمای حج و عمره و زیارت مسجد رسول الله ﷺ).
- ۲۶- شہسوار کربلا، تألیف مولانا عبدالرحمان سربازی، انتشارات صدیقی.

٢٧- احكام جنايز، شيخ محمد ناصرالدين آلبناني، عبدالله ريگي احمدي،
نشر حرمين.